

برسی تاریخی خاورمیانه

فلسطین - اسرائیل

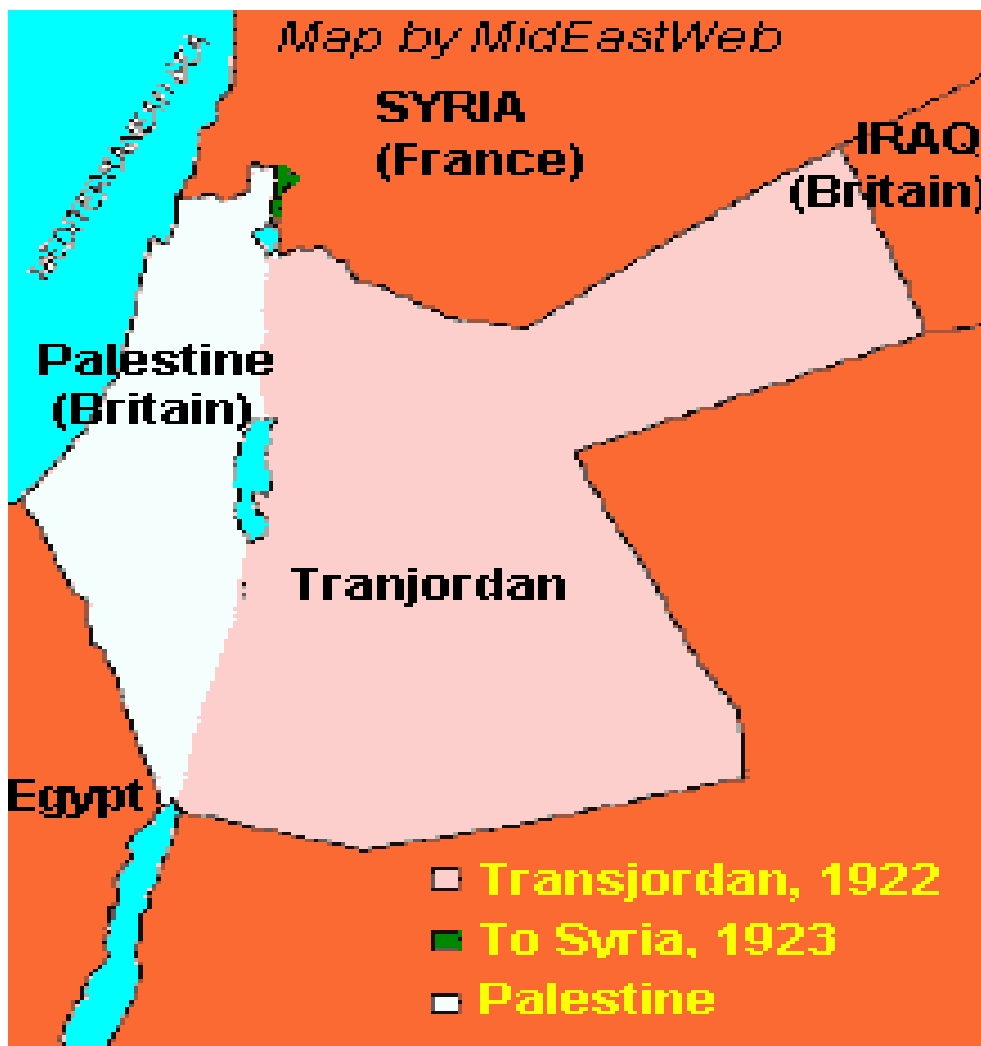
بخش ۳

تشکیل دولت اسرائیل ۱۹۴۸-۱۹۱۷

مترجم: مرجان افتخاری

۲۰۱۱، ۲۰۰۶

نقشه جغرافیائی ساحل غربی رود اردن و فلسطین در ۱۹۲۲



دولت یهود ۱۹۴۸-۱۹۱۷

(Etat juif)

۹ دسامبر ۱۹۱۷ خاورمیانه دستخوش تغییراتی شد. در چنین روزی به ۴ قرن حکومت عثمانی پایان داده شد، در حالی که آخرین سرباز ترک، اورشلیم را ترک می-کرد، ارتش انگلیس جنوب و غرب این منطقه را اشغال کرد. در ۱۱ همین ماه، آلونبی (Edmund Henri Hynman Allenby) رئیس و فرمانده متحدین (فرانسه، انگلیس، ایتالیا و آمریکا) به نمایندگان مسلمانان، یهودیان و مسیحیان چنین اظهار داشت: " ما برای فتح و اشغال نیامده-ایم بلکه ما نیرو-های آزادیبخش و پیام آوران صلح در این سر زمین هستیم". در ۲ نوامبر ۱۹۱۷، طی نامه-ای لرد بالفور (Lord Balfour) دبیر وزارت امور خارجه انگلیس به لرد رتچیلد (Lord Rothschild)، رئیس فدارسیون صهیونیست در انگلیس چنین نوشت، " موافق با ایجاد کانون ملی یهودیان در فلسطین است، و برای تحقق آن از هیچگونه کمکی دریغ نخواهد داشت. ولی، در حال حاضر، باید از هر حرکتی که حقوق مدنی و مذهبی غیر یهودیان را نادیده می گیرد پرهیز کرد". در همین زمان، دولت فرانسه به نهاد سوکولو (Nahum Sokolov) دبیر امور صهیونیست چنین نوشت " دولت فرانسه از یهودیان که همیشه در بی عدالتی و ستم بسر برده-اند و برای آزادی و بدست آوردن حقوق خود مبارزه کرده-اند حمایت و دفاع میکند". جنبش نوپای صهیونیسم و بنیان گذار آن تودر هرز (Théodor Herzl) هرگز چنین موقعیت سیاسی را بدست نیاورده بود. پس از Herzl یکی دیگر از چهر-های درخشان علمی یهودی، هیوم وایزمن (Haïm Weizmann) شیمیدان اهل روسیه، امور مربوط به صهیونیسم را در دست گرفت.

در فوریه ۱۹۱۶، دولت فرانسه و انگلیس تصمیم گرفتند که امپراطوری عظیم عثمانی را بین خود تقسیم کنند. فرانسه قسمت-های سوریه، دمشق، Homs, Alep، موصل، شرق و غرب آن و لبنان را زیر نفوذ و کنترل خود گرفت. انگلیس، بیابان-های (Neguev) در فلسطین، شرق اردن، (Mésopotamie) تا بصره و خلیج فارس و قسمت-هائی از حيفا رازیر پوشش خود قرار داد و فلسطین و مراکز مقدس زیر کنترل بین المللی قرار گرفتند. دولت انگلیس ترجیح داد که منطقه استراتژیکی مهم کانال سوئز را تحت کنترل خود داشته باشد و دست فرانسویان را از آن کوتاه کند. برای پیشبرد اهداف خود، جنبش صهیونیستی و مهاجرین یهودی آمریکائی را متحد خود در ساختن خاورمیانه مدرن در نظر گرفت.

آوریل ۱۹۱۸، برای اولین بار وایزمن، رهبر صهیونیست به فلسطین آمد و با تعدادی از ناسیونالیست‌های تبعیدی سوریه در پایتخت مصر، ملاقات کرد. آنها با ایجاد کانون ملی یهود مخالفت کرده ولی با حضور ۱ نماینده پارلمانی موافق بودند. به توصیه آلونبی (Allenby)، نماینده انگلیس، وایز من تصمیم گرفت با ملک فیصل (Fayçal) و مشاور انگلیسی او لورنس (Lawrence) ملاقات کند. در این ملاقات وایز من توضیح داد "که ما بکمک شما نیازمندیم، و بسوی شما دست کمک دراز میکنم، اعراب نباید از حضور ما بترسند. علاوه بر این، ما ملت عرب را در پیشرفت اقتصادی و صنعتی منطقه کمک خواهیم کرد". در این ملاقات، ملک فیصل که کاملاً به مسائل سیاسی و صهیونیسم آگاه بود قول داد که متن مذاکرات را به پدر خود بعنوان رهبر مافوق ارسال خواهد کرد.

در ۲ اکتبر ۱۹۱۸، سربازان نیرو-های متحد وارد دمشق شده و ترک‌ها را وادار به امضاء قرار داد تسلیم کردند. و دمشق شهر مسلمان نشین با 300,000 جمعیت توسط سربازان مسیحی به اشغال در آمد، موضوعی که ترس و وحشت زیادی را برای فرمانده انگلیس بوجود آورد، هراس از یک خیزش ملی-اسلامی. به درخواست فرمانده انگلیس، فیصل و مشاور او اولورنس وارد دمشق شدند. آلونی، نماینده رسمی انگلیس و نماینده فرانسه با او ملاقات کرده، و به او یاد آور میشوند که این منطقه تحت نفوذ و کنترل دولت فرانسه است. فیصل قیمویت و نفوذ فرانسه را در سوریه و لبنان نمی-پذیرد و دولت موقت خود را در دمشق اعلام میکند. در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ فرانسه مجبور به امضاء قرار داد ترک مخاصمه شد. منطقه-ای کاملاً ویران شده در اثر جنگ، و فقیر که 560,000 نفر مسلمان و 55,000 نفر یهودی در آن زندگی میکردند. یک ماه بعد، فیصل و وایز من در لندن یکدیگر را ملاقات کردند. بالاخره، در ۳ نوامبر ۱۹۱۹، بین فیصل و وایز من و نماینده صهیونیست قرار داد تفاهم و توافق به امضاء رسید. در این قرار داد، همکاری، مشارکت و پیشرفت اقتصادی دولت عرب و فلسطین مطرح میشوند و فیصل اجراء قطعنامه بالفور

(Balfour)، در مورد مهاجرت یهودیان به فلسطین را تضمین میکند. در حقیقت، فیصل در نظر داشت با حمایت صهیونیست نه تنها بر سوریه بلکه با الحاق ساحل غربی رود اردن بزرگترین دولت عرب، یعنی از حجاز تا دمشق را بر علیه فرانسه بر پا سازد. ولی وایز من هیچگونه منافعی در این بازی دیپلماتیک جستجو نمی-کرد.

در ۶ فوریه ۱۹۱۹، در کنفرانس ورسای (Versailles) با حضور وایز من، فیصل مطالبات خود را چنین بیان داشت. استقلال برای تمام مردم عرب، آسیا، جنوب اسکندرون (Alexandrette) تا دیاربکر (Diarbekir) و در مورد فلسطین بخاطر ویژگی آن، تمام گروه-ها از جمله یهودیان تصمیم مشترک خواهند گرفت.

در بازگشت، جشنی به مناسبت پیروزی فیصل در دمشق بر گذار شد و شخصی بنام عبدل قادر مظفر، فلسطینی، شدیداً جامعه یهودیان را مورد انتقاد قرار داد و اظهار داشت که از فیصل حمایت نخواهد کرد. او یهودیان را که از طرف صهیونیسم حمایت می-شدند خائن و خیانتکار نامید. در همان لحظه، جوان ۱۸ ساله یهودی بنام **Eliahou Sasso**، از یک خانواده سر شناس دمشق شروع به صحبت کرد. او اظهار داشت که استقلال و همبستگی ملی به همان اندازه که برای اعراب اهمیت دارد برای یهودیان نیز مهم است. و اجازه خواست تا فردا در خیابان-های دمشق به همین مناسبت راهپیمائی کنند. در فردای آن روز ۵۰۰۰ یهودی در خیابان-های پایتخت راهپیمائی کردند، این اولین حرکت سیاسی و تظاهرات یهودیان محسوب میشد. فیصل این جوان ۱۸ ساله را مسئول روزنامه الحیات (**Al hayat**) کرد.

جنبش ضد یهودی اعراب

در فلسطین، از بیانیه بالفور استنباط و بر داشت خوبی نشد (بخشی که مربوط به مهاجرت یهودیان به فلسطین میشد) به همین دلیل واکنش-های شدیدی بین دو گروه بوجود آمد. از یک طرف یهودیانی که از اروپا آمده بودند به زبان عربی آشنائی نداشتند، موضوعی که برای اعراب اهمیت ویژه-ای داشت. از طرف دیگر، جامعه عرب با بحران اقتصادی شدیدی مواجه بود. کشاورزان و روستائیان که زمین-های خود را به یهودیان فروخته بودند با بیکاری مواجه شدند. با استخدام کارگران یهودی و بکار گیری تکنیک-های مدرن و پیشرفته در کشاورزی، بر تعداد بیکاران عرب اضافه شد. بیکاری، فقر، تهیدستی و مسائل ملی-مذهبی باعث رویا رویی و افزایش جنبش-های کوچک و در ابتدا محدود ضد صهیونیستی شد.

در فوریه ۱۹۲۰، گروهی از اعراب به (مستعمرات) کلونی-های یهودی در خلیله (**Galilée**) حمله کردند. در حجاز و مکه جنبش ضد صهیونیستی اوج گرفت. در مصر، در تظاهرات ضد انگلیسی ۸ انگلیسی کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. در ماه مارس ۱۹۲۰، کنگره ملی سوریه، فیصل را بعنوان پادشاه سوریه بزرگ که شامل فلسطین هم میشد انتخاب کرد. فرانسه و انگلیس در مقابل چنین اقدامی متحیر و متعجب شدند. هر دو دولت اروپائی به فیصل هشدار دادند ولی فیصل به کمک ترک-های کمال ایست به هدف-های فرانسه و مسیحیان در لبنان حمله کرد. در ۱۴ ژوئیه ۱۹۲۰، گورد

(Gouraud) ژنرال فرانسوی در بیروت به فیصل اولیما تم داد و ۱۲ روز بعد فرانسوی-ها دمشق را اشغال کرده و نیرو-های فیصل و ناسیونالیست-های استقلال طلب را اخراج کردند، که تعداد زیادی از آنها به فلسطین رفتند.

با اوج گیری جنبش ملی اعراب، جنبش صهیونیست-سوسیالیست برای مخالفت با انگلیس-ها و نشان دادن حضور سیاسی خود در ۱ ماه مه ۱۹۲۱ تظاهراتی را در تل آویو سازمان داد. این اولین اعلام مخالفت یهودیان با حضور انگلیس-ها در فلسطین بود. درست در همین زمان، انگلیس تصمیم گرفت که موقعیت سیاسی خاورمیانه را بطور جدی در دستور کار خود قرار دهد. به همین دلیل، در ۱۲ مارس ۱۹۲۱، کنفرانسی در قاهره تشکیل داد. در این کنفرانس آلونبی (Allenby) بعنوان کمیسر عالی در مصر، وینستون چرچیل (Winston Churchill) وزیر مشاور در امور مستعمرات (کلونی-ها) شرکت داشتند. پس از ۴ روز بحث و مذاکره بین چرچیل و لورنس و با توجه به گذشته تاریخی منطقه، تصمیم گرفته شد که فیصل را بعنوان رئیس منطقه-ای که از این لحظه به بعد عراق نامیده میشود انتخاب کنند. دقیقاً همزمان با کنفرانس قاهره عبدالله شاه اردن هاشمی وارد عمان شد. در ۲۷ مارس ۱۹۲۱ چرچیل با عبدالله در اورشلیم ملاقات و به او پیشنهاد کرد که بطور موقت پست حاکمیت سا حل غربی رود را بپذیرد. این پیشنهاد دو هدف را در پی داشت.

۱-پیشگیری از حمله عبدالله به سوریه

۲-از این پس ساحل غربی رود اردن نمی-توانست بعنوان کانون و مرکز ملی یهودیان در نظر گرفته شود. بدین ترتیب، عبدالله شاه اردن با نیرو-های نظامی خود و کمک-های مالی انگلیس در فلسطین مستقر شد.

اولین خیزش اعراب

در اوت ۱۹۲۹، درگیری-های شدیدی در اورشلیم بین اعراب و یهودیان صورت گرفت که منجر به کشته شدن ۱۳۳ یهودی و ۱۱۶ عرب و زخمی شدن تعداد زیادی شد. کمیون تحقیق که توسط انگلیس-ها تشکیل شده بود، اعراب و مفتی حاج امین ال حسینی (Hadj Amin el Hussein) را مسئول درگیری-ها شناخت. در عین حال کمیون تحقیق اعلام داشت که فلسطین ظرفیت پذیرش این تعداد مهاجر یهودی را ندارد. در ۱۹۲۲، طبق آمار گرفته شده توسط انگلیس-ها ۶۵,۰۰۰ مسلمان، ۸۷,۰۰۰ یهودی و ۷۳,۰۰۰ مسیحی در این منطقه زندگی می-کردند. و در سال ۱۹۳۵

تعداد 960,000 مسلمان و 400,000 یهودی آمار داده شد. پس از روی کار آمدن هیتلر در سال-های ۱۹۳۳-۱۹۳۶، 164,000 یهودی دیگر وارد فلسطین شدند.

با ید به این نکته توجه داشت که به کمک سرمایه گذاری یهودیان، فلسطین از نظر اقتصادی پیشرفت قابل توجهی کرد. بخصوص حیفا (Haifa) و تل آویو (Tel-Aviv)، در مدت ۱۰ سال به شهر-های واقعی و مناسب برای زندگی تغییر چهره دادند. در ادامه درگیری-های خونین بین اعراب و یهودیان، در ۲۵ آوریل ۱۹۳۶، (کمیته عالی عرب) با مسئولیت حاجی امین ال حسینی تشکیل شد. او فوراً اعتصاب عمومی را رهبری و مطالبات زیر را برای مردم فلسطین خواستار شد.

۱- ممنوعیت مهاجرین یهودی به فلسطین

۲- ممنوعیت فروش زمین به یهودیان

۳- ایجاد دولت ملی عرب

آغاز شورش اعراب فلسطینی

هیچگونه توافق و تفاهمی بین کمیته عالی عرب (Haut Comité arabe) و انگلیس-ها در مورد مطالبات اعراب و یهودیان بوجود نیامد و در پی آن شورش-های اعراب و یهودیان ادامه یافت.

اولین شورش در اکتبر ۱۹۳۶، شروع شد که در آن ۸۰ یهودی، ۲۰۰ عرب و ۳۰ انگلیسی کشته و حدود ۱۰۰۰ نفر زخمی شدند. پس از آن، کمیسیون تحقیق برای بررسی خواسته-های اعراب و یهودیان به مسئولیت لرد رابرت پیل

(Lord Robert Peel) تشکیل شد. این کمیسیون ادعای اعراب در مورد تصاحب زمین-های حاصل خیز توسط یهودیان را کاملاً مردود شمرد. ولی برای آرام کردن اوضاع، خرید زمین توسط یهودیان را ممنوع اعلام کرد. و تعداد مهاجرین یهودی به فلسطین را به ۱۲۰۰۰ نفر در سال کاهش داد. برای اولین بار کمیسیون تحقیق، پروژه تقسیم منطقه به دو قسمت یهودی و عرب را مطرح کرد. طبق این پروژه، یهودیان در قسمت خلیله و اعراب در فلسطین و ساحل غربی رود اردن و انگلیس-ها در قسمت-اورشلیم و بتلائم (Bethléem) و پایگاه نظامی تیبریاد (Tibériade)، و خلیج عقبه (Akaba) مستقر شدند.

کمیته عالی عرب و یهودیان هر دو این پروژه را نپذیرفتند و مخالفت خود را ابراز داشتند. در همین زمان، آلمان و ایتالیا تبلیغات رسمی را علیه امپریالیسم انگلیس و صهیونیسم رهبری و از خواسته-های اعراب حمایت کردند، بطوری که در تظاهرات ضد انگلیسی اعراب در ماه مه ۱۹۳۷ پرچم-های آلمان و ایتالیا بر افراشته شد.

در بهار ۱۹۳۷، سازمان ملی نظامیان (**Organisation militaire nationale**) یا ایرگون (**Irgoun**) به طور مخفیانه تشکیل شد. در آوریل ۱۹۳۷، جکوبتانسکی (**Jabotinski**) که از ژوهانسبورگ اخراج شده بود، با تعدادی از همراهان خود، که به اسلحه و بمب-های دستی مجهز بودند اعلام میکنند که در مقابل حمله اعراب ساکت نخواهند نشست. در آخر سپتامبر، با تشدید درگیری-های مسلحانه اعراب و کشته شدن تعدادی بویژه یک مقام انگلیسی، حاجی امین به لبنان فرار کرد. در ۸ سپتامبر، کمیته عالی عرب برای دفاع از فلسطین با حضور ۴۰۰ نماینده از کشور-های مختلف عرب در سوریه تشکیل شد. در پایان، قطعنامه-ای به تصویب رسید، مبنی بر اینکه فلسطین متعلق به اعراب است و اعراب حق دارند از فلسطین دفاع کنند و یهودیان تهدید جدی برای دنیای عرب محسوب میشوند. پس از بر گذاری این کمیته، در یک نشست مخفی، تعدادی از نمایندگان تصمیم میگیرند حملات خود را علیه یهودیان و اعرابی که با انگلیس-ها همکاری دارند ادامه دهند، و ۳۰ نفر از آنان به طرف جنین (**Jénine**) و ناپلس (**Naplouse**) حرکت میکنند.

در فلسطین ستاد یهودیان تحت فرماندهی شخصی بنام اورد وانگات (**Orde Wingate**) اقدام به سازماندهی نظامی یهودیان برای نگهبانی از مزارع کشاورزان میکند. موشه دایان (**Moshé Dayan**)، که در آن زمان ۲۱ سال داشت در این ستاد نظامی شروع به کار کرد. در ۴ ژوئیه ۱۹۳۸، سوء قصد-هائی بوسیله سازمان مسلح یهودی ایرگون صورت میگیرد. رهبری این سوء قصد-ها را فردی بنام اسحاق (**Yitzhak**) تحت نام مستعار شامیر (**Shamir**) بعهده داشت. اکثر آنها عضو هاگانا (**Haganah**) سازمان نظامی یهودیان که هسته اصلی ارتش اسرائیل را پس از ۱۹۴۸ تشکیل داد. بودند. ۴۵ سال بعد، شامیر، بعنوان نخست وزیر اسرائیل انتخاب شد. از این لحظه به بعد، هر دو گروه یهودیان و اعراب دست به عملیات نظامی و سوء قصد-های تروریستی زدند. در مدت چند روز ۷۳ کشته و صد-ها نفر زخمی شدند. به نظربن گوریون (**Ben Gourion**) عملیات تروریستی ایرگون، همکاری آنها را با انگلیس-ها به مخاطره می-انداخت، او عملیات باند-های مسلح ایرگون را محکوم کرد. ولی درگیری-های خونین بین دو گروه عرب و یهودی همچنان ادامه یافت.

آغاز جنگ دوم جهانی

جنگ جهانی دوم با گام‌های بلند نزدیک شد، در ۱ اکتبر ۱۹۳۸ بخشی از چکسلواکی توسط ارتش آلمان اشغال شد. در اروپا، یهودیان در موقعیت خطرناکی بسر میبردند، بویژه در آلمان. تنها در یک شب ۵۰۰ سیناگوگ (Synagogues) (کنیسا یهودیان) را به آتش کشیدند و 50,000 یهودی را به اردوگاه مرگ فرستادند. در فلسطین، مراسم دعا و نیایش در همبستگی با یهودیان آلمان سازمان داده شد. آژانس یهودیان از دولت انگلیس مهاجرت 10,000 کودک بی سرپرست آلمانی و اطریشی به فلسطین را درخواست کرد. پاسخ منفی نشان داد که رهبری صهیونیست در صحنه بین المللی وزنه سنگینی ندارد.

جنگ با آلمان نازی قریب الوقوع بود و انگلیس در جنگ جهانی باید با کشور-های عرب متحد میشد. در نتیجه مهاجرت یهودیان به 10,000 نفر در سال کاهش یافت. و فروش زمین هم ممنوع اعلام شد. از این پس مهاجرت یهودیان باید با تائید اعراب انجام میشد. در همین زمان گروه مسلح ایرگون به رهبری جکوبتانسکی، چند عملیات نظامی و تروریستی علیه منافع انگلیس و اعراب را سازمان داد. در جریان یکی از این عملیات او دستگیر شده و در اداره پلیس تل آویو متوجه میشود که گروه-های مسلح آلمان نازی وارد خاک فلسطین شده-اند. یهودیان فلسطین با شنیدن این خبر بسیج شده و 140,000 زن و مرد داوطلب وارد ارتش انگلیس میشوند تا از زندگی و مراکز صنعتی و اقتصادی خود دفاع کنند.

دو موضوع یعنی جنگ جهانی و جنگ اعراب-یهودیان در این منطقه در جریان بود. در پی اعتصاب عمومی یهودیان در شهر-های یهودی نشین و پیش بینی جنگ جهانی چمبرلین (Chamberlain) جای خود را به چرچیل داد. او برای حل درگیری-های فلسطین بوسیله سر یوهان فیلبی (Sir John Philby) به پادشاه عربی سعودی چنین پیشنهاد کرد. " تمام خاک فلسطین به یهودیان واگذار، و در عوض ۲۰ میلیون لیر انگلیس به ابن سعود

(Ibn Saoud)، داده میشود تا اعراب فلسطینی اجازه زندگی در کشور او را داشته باشند. در ضمن او به عنوان پادشاهی بزرگ عربی مطرح خواهد شد ولی ابن سعود این پروژه را رد میکند.

خطر حمله و اشغال عراق توسط آلمان نازی بسیار زیاد بود. در ۱۹۳۹ امیر عراق Rhazi 1 در یک تصادف کشته شد و پسر او برای جانشینی بسیار جوان بود، رشید علی (Rashid Ali) یکی از مسئولین، که به آلمان-ها نزدیک بود از

فرصت استفاده کرده و قدرت را بدست میگیرد. برای اینکه هواپیما-های آلمانی نتوانند سوخت خود را در فرودگاه عراق تامین کنند، ستاد انگلیس پیشنهاد تخریب ذخائر سوختی عراق را داد. در همین زمان، مفتی حاجی امین که تحت تعقیب دولت انگلیس بود در بغداد بسر میبرد و در کنار رشید علی با ارتش آلمان همکاری داشت. تا سال ۱۹۴۱ مفتی حاجی امین در بغداد با آلمان نازی همکاری کرد. زمانی که، نوری سعید، (Nouri Said) نخست وزیر عراق او را متهم به کشتن ۱۷۹ یهودی کرد. مفتی حاجی امین به تهران و سپس به استانبول و در نهایت به رم Rome فرار کرد. در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۱، با موسیلینی (Mussolini) ملاقات کرد و ۱۰ روز بعد عازم برلین (Berlin) شد. مفتی حاجی امین در خاطرات خود چنین نوشت: " آلمان دوست ما محسوب میشد، او کشور امپریالیستی نبود و هرگز کشور-های عربی و مسلمان را تسخیر نکرد. آلمان در مبارزه با امپریالیسم انگلیس و صهیونیسم در کنار ما بود. بالاخره دشمن دشمن ما دوست ما است. من مطمئن هستم که آلمان کشور ما را از دست امپریالیسم و صهیونیسم نجات خواهد داد." او در ۲۸ نوامبر ۱۹۴۱ با هیتلر ملاقات کرد. هیتلر به مفتی قول حمایت داد ولی در مورد آینده خاورمیانه هیچگونه تعهدی به او نداد. مفتی حاجی امین تنها کسی نبود که چنین اشتباهی در تحلیل-های خود در صحنه سیاسی جهانی داشت.

حوادث سیاسی در جای دیگری بطور مخفی در جریان بود. در نوامبر ۱۹۴۲ اطلاعاتی در مورد قتل عام یهودیان در اروپای شرقی بدست آمد، صحبت از اطاق گاز و کمپ-های مرگ بود. مسئولین صهیونیست در بیلتمور (Biltmore) آمریکا جلسه-ای تشکیل داده و برنامه ۵ ساله-ای را طرح ریزی کردند. طبق این برنامه، در-های فلسطین باید برای مهاجرین یهودی باز شود. آژانس یهودی مسئول کنترل مهاجرت و مسئول سرمایه-گذاری برای ساختن کشور یهودی است و فلسطینی-ها باید دولت یهود را بپذیرند.

حمله-های سازمان نظامی تروریستی ایرگون (Irgoun)

نیرو-های متحدین وارد شمال آفریقا میشوند، تهدید حمله آلمان به فلسطین از ذهن-ها دور میشود. گروه مسلح ایرگون حملات نظامی خود را علیه منافع انگلیس در شهر-های حیفا و تل آویوفشرده میکند. در ۶ نوامبر ۱۹۴۴، لرد موین (Lord Moyne) وزیر مستعمرات (کلونی-ها) در جلو محل مسکونی-اش بقتل میرسد. بخشی از این گروه-ها مسلح را شامیررهبری میکرد. در نهایت، تحت فشار-های دیپلماتیک و ترور-های سازمان مسلح ایرگون، نخست وزیر انگلیس با مهاجرت 100,000 یهودی بی خانمان و آواره موافقت کرد. در عوض در نوامبر داوید بن گوریون علیه گروه-های

مسلح و تروریستی یعنی ایرگون وسترن (Stern) بیانیه-ای صادر کرد مبنی بر اینکه افراد این گروه-ها باید از ادارات و محل کار اخراج شوند. تعدادی زیادی از افراد این دو گروه دستگیر و به انگلیس-ها تحویل داده شدند.

۲۲ مارس ۱۹۴۵، تاریخ مهمی در خاورمیانه است. در این تاریخ برای اولین بار "اتحاد عرب" Ligue arabe تشکیل و اعظم پاشا (Azzam Pacha) بعنوان دبیر آن انتخاب شد. در ۸ مه ۱۹۴۵ جنگ در اروپا پایان می-یابد و یهودیان فلسطین متوجه فاجعه کمپ-های مرگ نازی میشوند.

قتل عام یهودیان اروپا در جنگ دوم جهانی	
کشور	تعداد کشته شدگان
لهستان	2,800,000
روسیه	1,300,000
Baltes	210,000
رمانی	150,000
چکسلواکی	217,000
آلمان	160,000
هلند	110,000
یونان	56,000
فرانسه	83,000
اتریش	65,000
یوگسلاوی	60,000
ایتالیا	10,000

علاوه بر این، صد-ها هزار باز مانده در کمپ-های مرگ در اروپا، بزرگترین تراژدی بشری بود که مردم یهود تحمل کردند. رهبران صهیونیست مطمئن بودند که یک سازش سیاسی، یک مصالحه سیاسی در مورد ایجاد دولت یهود (Etat juif) امکان پذیر است. آنها دیگر به قول و قرار-های چرچیل باور نداشتند. بویژه که در ژوئیه ۱۹۴۵، با روی کار آمدن حزب کارگر، وزیر امور خارجه جدید، ارنست بون (Ernest Bevin) تمایل داشت روابط خوب و مناسبی را با اعراب ایجاد کند. تقریباً همزمان با تغییرات سیاسی در انگلیس، در آمریکا ترمن (Harry Truman) بجای روزولت (Roosevelt) که متحد مناسبی برای آژانس یهودیان بود پست ریاست جمهوری را بدست گرفت. او طی نامه-ای مهاجرت 100,000 یهودی را به فلسطین از دولت انگلیس در خواست کرد. دولت انگلیس تنها با 35,000 نفر بازمانده کمپ-های مرگ به آفریقای شمالی موافقت می کند. روابط بین رهبران یهودی و انگلیس در مورد مهاجرت رو به وخامت بود. درگیری-ها و تظاهرات روز بروز افزایش یافت، در یک اعتصاب عمومی 30,000 نفر بطور خشونت آمیزی به ادارات و منافع انگلیس در تل آویو حمله کردند، طبق دستور، چتر بازان انگلیسی به روی مردم آتش گشودند که منجر به کشته شدن تعداد زیادی شد. بدنبال این مانور بن گوریون استراتژی خود را تغییر داد. او به رئیس ستاد نظامی یهودیان هاگانا (هسته اصلی ارتش رسمی اسرائیل در ۱۹۴۸) اجازه داد که با گروه-های مسلح و تروریستی ایرگون و سترن حملات خود را علیه انگلیس-ها شروع کنند. عملیات نظامی منجر به انفجار و تخریب پل-های ارتباطی بین کشور-های همسایه شد. در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۶ تحت رهبری هاگانا محل ستاد فرماندهی انگلس کینگ دیوید (King David) منفجر شد. در ادامه عملیات نظامی و تروریستی علیه دولت انگلیس، ژنرال بارکر (Barker) فرمانده جدید، دستور بایکوت تمام مراکز اقتصادی یهودیان را صادر کرد (رستوران، کافه، اداره و مزرعه). کنترل کارت شناسائی و گشت-های خانه به خانه منجر به دستگیری ۷۸۷ نفر یهودی شد. آنچه که مشخص است، اینکه از ابتدا صهیونیست-ها در مورد ایجاد دولت اسرائیل در فلسطین تصمیم گرفته بودند، تنها مشکل آنها وجود 1,300,000 عرب در سال ۱۹۴۷ بود. چگونه می توان یک اقلیت یهودی 650,000 نفری بر کشوری کنترل داشته باشد که اکثریت آن را اعراب فلسطینی مخالف تشکیل میدهند.

انتقال فلسطینی-ها تنها راه حل پیشنهادی (۱۹۴۸-۱۹۳۷)

چندین راه حل در مورد وضعیت و موقعیت یهودیان بویژه مهاجرت آنان به فلسطین مطرح شد.

۱- در ابتدا ترک‌های عثمانی و سپس نماینده دولت انگلیس در فلسطین مخالفت خود را با مهاجرت یهودیان اعلام کرده بودند. در همین رابطه، قوانینی را هم به تصویب رسانده بودند. در عوض، مهاجرت یهودیان به آمریکای شمالی، اروپای غربی و یا کشور-های مشترک المنافع توصیه شده بود. بنا بر این، پروژه، ایجاد اکثریت در فلسطین از طریق مهاجرت امکان پذیر نبود.

۲- تشکیل دولت مشترک با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی

برای یهودیان اروپائی که یک نوع لیبرالیسم و سوسیال دموکراسی را هدف خود قرار داده بودند رژیم آپارتاید مانند یک ایده لعنت شده یا کفر آمیز تلقی شد.

۳- تقسیم فلسطین، سهم شدن (اعراب-اسرائیل)

از سال-های ۱۹۳۰، تعدادی زیادی از رهبران صهیونیست به این نتیجه رسیده بودند که مهاجرین یهودی هرگز اکثریت را در فلسطین نخواهند داشت. و طرح سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ مبنی بر تقسیم فلسطین به دو قسمت یهودی-فلسطینی با تردید و سوء نیت ارزیابی شد.

۴- انتقال فلسطینی-ها

آخرین راه حل، انتقال فلسطینی-ها بود که کمتر راجع به آن صحبت میشد. امکان تشکیل دولت هماهنگ یهودی در فلسطین امکان پذیر بود، با این فرض که اعراب فلسطینی را به سر زمین-های دیگری منتقل کنند. سیاستی که در ۱۹۴۸ برنامه ریزی شد. بن گوریون موافقت خود را با پیشنهاد پیل (نماینده انگلیس در فلسطین) مبنی بر انتقال اعراب فلسطینی به عراق و ساحل غربی رود اردن اعلام کرد. این موضوع با مسئولین و تئورسینهای دانشگاه اورشلیم مورد بحث قرار گرفت. یکی از مسئولین، تنها در مورد اخلاقی و غیر اخلاقی بودن انتقال 600,000 خانواده فلسطینی بحث کرد. به نظر بن گوریون انتقال اعراب ساده ترین راه حل بود. برای کاپلان (Eliezer Kaplan) یکی از زهبران حزب کمونیست، انتقال اعراب یک مصیبت از نظر روابط خارجی محسوب میشد.

اخراج فلسطینی-ها از سرزمین خود

در فوریه ۱۹۴۷، دولت انگلیس تصمیم گرفت پرونده تقسیم سرزمین فلسطین-یهود را به سازمان ملل ارسال کند. در ۱۳ ماه مه کمیسیون تحقیق بی طرفی بنام یونسکو (UnScop) تشکیل شد. در همین حال ایرگون و گروه مسلح تروریستی دیگر، حمله-های خود را علیه انگلیس-ها و اعراب ادامه دادند. کمیته عالی اعراب (Haut Comité des Arabes)

palistiniens) اعلام کرد که تمام تصمیمات مربوط به تقسیم فلسطین منجر به حمام خونی خواهد شد که برای یهودیان ساکن فلسطین خطرناک خواهد بود. علیرغم این تهدید، کمسیون یونسکو کار خود را در اوت ۱۹۴۷ پایان رساند و چنین پیشنهاد کرد، مناطق خلیله تبه-های مرکزی فلسطین تا مناطق جنوبی در مرز-های مصر متعلق به دولت مستقل عرب خواهد بود. اورشلیم و بتلایم تحت کنترل بین المللی قرار خواهند گرفت و یهودیان باقی مناطق را تحت کنترل دولت مستقل خود خواهند داشت. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل تقسیم فلسطین را به تصویب رساند. این موضوع با واکنش فوری و شدید اعراب مواجه شد. در حمله به یک اتوبوس در اورشلیم ۷ یهودی کشته و تعدادی زخمی شدند. تقریباً در تمام نقاط درتل آویو، حیفا و خلیله درگیری-های شدیدی بین اعراب و یهودیان در جریان بود. سازمان نظامی یهود هاگانا بطور مخفی از باربگارد-های، ایرگون . سترن کمک خواست. انگلیس-ها در مقابل همه وقایع سکوت اختیار کردند. به عبارت دیگر، اجازه عملیات مسلحانه را صادر کردند. در ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸ در فاصله ۲ هفته ۹۳ عرب، ۵۴ یهودی و ۷ انگلیسی کشته شدند.

آغاز فصل جدید و خوئین، اخراج فلسطینی-ها

بمب گذاری و عملیات نظامی از هر دو طرف در شهر-های اورشلیم و تل آویو غیر قابل پیش بینی و مهار بود. دهکده دیر یاسین (Deir-Yassin) توسط باربگارد-های ایرگون به حمام خون تبدیل شد، ۲۵۰ زن و کودک بطور وحشیانه-ای بقتل رسیدند. ۶ روز بعد، ۷۷ دکتر و پرستار در بیمارستان یهودی حداسا (Hadassah) اورشلیم بقتل رسیدند. نیرو-های انگلیسی کاملاً کنار کشیده و هیچ دخالتی در امور نمیکردند. در این زمان، هاگانا (سازمان رسمی نظامی) ویران کردن دهکده-های فلسطینی را در دستور کار قرار داد. تنها در ماه دسامبر بین 20,000 تا 30,000 فلسطینی، حیفا را به سمت لبنان، سوریه و اردن ترک کردند. آنها حتی در هنگام فرار هم تحت تعقیب و کشتار قرار گرفتند. این عملیات که توسط مناخیم بگین (Menahem Begin) رهبری شد یکی از جنایتکارانه ترین عملیات نظامی تاریخ محسوب میشود. در ۲۵ آوریل ایرگون به جنوب حیفا جایی که 60,000 عرب زندگی میکردند حمله کرد. تمام مناطق Al Ajami- Magid- Abdel- Raho و Abed ویران شد. و آنهایی که زنده ماندند دست به فرار زدند. تنها، گروه کوچکی تحت عنوان اخوان المسلمین از مصر برای دفاع از مردم غزه وارد عملیات علیه ایرگون شد. در این عملیات جوان ۱۹ ساله فلسطینی ساکن قاهره دست به عملیات شجاعانه-ای زد، او چند سال بعد بنام یاسر عرفات، رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین ساف را بعهده گرفت.

نقشه اسرائیل-فلسطین ۱۹۴۷



تشکیل دولت-اسرائیل ۱۹۴۸

۱۰ ماه مه، گلدای مایر (Golda Méir) با عبدالله شاه اردن ملاقات کرد. در این ملاقات که چند ساعت به طول انجامید. گلدای مایر در مورد طرح دولت رسمی کشور اسرائیل با مرز-های مشخص صحبت کرده و از عبدالله در خواست کرد که با کشور-های سوریه، عراق و مصر وارد مذاکره شود.

در ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸ ساعت ۱۶ انگلیس-ها به فرماندهی ژنرال آلونبی فلسطین را ترک میکنند. در حالی که او اورشلیم را برای حیفا ترک میکرد اظهار داشت که فلسطین دیگر جزء کشور-های مشترک المنافع نیست و قوی که لرد بالفور به صهیونیست-ها داده بود تحقق پذیرفت. پس از یک شب بحث، مذاکره و تردید راسای آژانس یهودی (Agence juive) تصمیم خود را گرفتند.

بن گوریون در حضور کمیته و مشاوران یهود در موزه تل آویو تشکیل دولت مستقل اسرائیل را اعلام کرد. او در سخنرانی خود چنین اعلام کرد: دولت اسرائیل در-های خود را به روی مهاجرین یهود میگذارد. این کشور بر اساس آزادی، عدالت و صلح همانطور که پیغمبر اسرائیل پیش بینی کرده بود پایه ریزی میشود. ما برابری کامل حقوق سیاسی اجتماعی برای تمام ساکنین با هر مذهب، عقیده، زبان و فرهنگی را تضمین میکنیم. مراکز مقدس طبق قطعنامه سازمان ملل اداره خواهند شد. ما از اعراب برای ساختن و پیشرفت کشور تحت شرایط برابر دعوت میکنیم. ما دست صلح و دوستی بسوی همه همسایگان و مردم آنها دراز میکنیم و به همکاری و کمک آنان در استقلال کشور اسرائیل نیازمندیم. دولت اسرائیل به سهم خود برای صلح و پیشرفت خاورمیانه تلاش خواهد کرد. چند دقیقه پس از این سخنرانی آمریکا دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت و ۳ روز بعد روسیه هم دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت.

منابع و کتاب-های استفاده شده:

1-La formation du Moyen-Orient

Bernard Lewis

anglais par Jacqueline Carnaud 'Traduit de l

Edition : Histoires Aubier ; France 1995

2-Les 100 portes du Proche-Orient

Alain Gresh et Dominique Vidal

Edition : Autrement ; paris 1986

3-Les palestiniens (Un siècle d'histoire)

Nadine Picaudou

Editions : Complexe 1997, ISBN

4-Le Proche-Orient au XX^e siècle

Nadine Picaudou

Edition : Documentation photographique, paris 1991

5-La Palestine en marche

Ben Porat et Dany Rubinstein

Edition : Flammarion ; France 1996

٦-Du rêve sioniste à la réalité israélienne

Mitchell Cohen

Edition : la Découverte, Paris 1990

٧-Paix ou guerre

Charles Enderlin

Editions : Stock ; 1997

8-Sur Israël

Friedrich Dürrenmatt

Traduit de l'allemand par Walter Weideli

Editions : Albin michel ; Paris 1977